

سرفراز فوتبال هرگز مقابل کره شمالی تن به شکست نداده اند و ۲ مسابقه آخر ما با کره شمالی حاکی از برتری ۲-۰ در پیونگ یانگ و ۱-۲ در تهران است.

آقای محمد مایلی کهن که انگیزه های بسیار برای مطرح شدن دوباره دارد دستش مثل همتای قبلی پر از ستاره است و برآستی اگر کج سلیقگی نکند و اشتباهات علی دائی را تکرار نکند می تواند با دست پر از پیونگ یانگ باز گردد.

از یاد نبریم که امروز باید منیت ها و خود کامگی ها را بدست فراموشی بسپاریم و تسویه حسابهای دیروز و پریروز را بدست فراموشی بسپاریم تا بتوانیم با همه امکانات به مقابل حریف بیا خاسته ای مثل کره شمالی دست به آتش بازی بزنیم. پیروزی بر کره شمالی مسلماً یک رویانست، کاری است که ما در ۲ دیدار قبلی به آن رسیده ایم و امروز هم قادر به تکرار آن رویدادها خواهیم بود.

مگر چیزی برای از دست دادن مانده؟

اولویت برای شجاعان و دلوران تترس

کشتی وقتی در تهران جام جهانی را بخاطر ندانم کاری و اشتباهات فاحش دو دستی تقدیم آذربایجانها کرد مشخص شد که هنوز افکار پوسیده و پراشتباه المپیک در تار و پود فدراسیون کشتی پر دوام است.

تیم ما در حالیکه استحقاق قهرمانی در جام جهانی را داشت فقط به فقط به اشتباه و ندانم کاریهای کادر فنی باخت. کادر فنی که در روز نخست ۳ پیروزی پیاپی برای صدرنشینی داشت هرگز به این فکر و اندیشه نگاه نکرد که فردین مصومی ۳۳ ساله و رضا یزدانی خسته و فرسوده را برابر گرجستان استراحت بدهند و نجاتیان و آذرشکیب جوان و پرانگیزه را جایگزین آنها نماید.

نتیجه همین تفکرات اشتباه فردین مصومی سنگین وزن پرتجربه ما تسلیم حریفی بی کلاس و بسیار ابتدائی شد و تیم ایران با شکست ۲-۴ در خانه قهرمانی را از کف داد.

وقتی چنین شکستی در تهران برای بزرگان ما رقم خورد محمدعلی صنعتکاران مدیر و همه کاره فنی کشتی از جملاتی استفاده کرد و کشتی گیران مدال دار جهانی را متهم به کم کاری نمود.

امروز تیم ملی کشتی برای دفاع از ۱۵ بار قهرمانی در آسیا راهی شهر پاتا یا در کشور تایلند می باشد. مدیر ۷۱ ساله تیم ملی برای آنکه روحیه ای به مسافران پاتا بدهد، آزادکارها را نامطمئن و فرنگی کاران مطمئن برای قهرمانی معرفی کرده است.

آقا صفت فراموش کرده که حرفان آسیای میانه و شرق آسیا هرگز در این مسابقات با دست پر و توانائی های لازم به میان نمی آیند. آنها بعد از المپیک برخلاف ما دست به جوانگرایی میزنند و تیم خود را برای بازیهای لندن تدارک می بینند. درست که مراد محمدی تنها مدال آور تیم ما در خدمت تیم ملی نیست، رضا یزدانی از اردو اخراج شده ولی تیم ملی کشتی ایران همچنان شانس اول قهرمانی است. در سه سال گذشته بعد از نتایج اسف بار قهرمانی جهان در باکو (هفتم شدیم) و بازیهای المپیک پکن (یازدهم شدیم) حالا کشتی ما چیزی برای از دست دادن ندارد که بخاطر آن در لاک همیشگی قرار گرفته است.

باید کشتی گیران را با روحیه و پرانگیزه به میدان فرستاد. شرایط روحی و هدایت شجاعانه قهرمانان میتواند نقطه عطفی برای جوانان و پرتجربگان کشتی باشد.

اگر غلامرضا محمدی ۴ مدال نقره و برنز جهانی و محسن کاوه با آنهمه تجربه به این باور برسند که بچه ها چرا در المپیک شکست خوردند و چگونه سعید ابراهیمی، مهدی تقوی و فردین مصومی مدالهای المپیک را از کف دادند در خط حرکتی خود تغییرات لازم را پدیدار خواهند ساخت. تیم ما اگر می خواهد در سال ۲۰۰۹ هنگام مسابقه های جهانی کپنهاگ با دست پر از میدان خارج شود باید بدون توجه به برد و باخت قهرمانی آسیا از همسایه های شمالی روسیه - بلوروس - اوکراین هرگز غفلت نکند و با تمام وجود مهره های ریز و درشت خود را مورد آزمون قرار دهد. کشتی ما ۱۵ بار در سالهای ۱۹۶۵-۱۹۶۸-۱۹۹۸-

۲۰۰۲ قهرمان جهان شده هنوز هم کفگیرش به ته دیگ اصابت نکرده و هنوز هم میتواند لرزه برانداز تیم های روسیه، ترکیه، کوبا و حرفان صاحب نام دیگری بیاندازد. به هوش باشیم که در راه گزینش تیم ملی ترسوها و محتاط ها را به اردوی کشتی راه ندیم و مردان شجاع و با روحیه و جنگنده را در اولویت تمام و کمال به تیم ملی دعوت کنید که قهرمانی فقط زیننده مردان شجاع، تترس و مبارزی است که از هیچ حریفی باک ندارند.



درست که کم تجربه ای بنام علی دائی و فدراسیون پراشتباه این شرایط را برای فوتبال ما رقم زده است ولی هرگز نمی توان علاقمندان پر شمار و استثنائی فوتبال ایران را در نقطه ای دیگر از جهان ملاقات کرد.

تماشاگرانی که در حقیقت سرمایه های راستین و بی همتای ورزش بشمار می روند و ثابت کرده اند همواره مشوقانی بزرگ و بی همتا برای قهرمانان بشمار میروند.

فوتبال ما بعد از ۵ بازی با یک پیروزی، یک شکست و ۳ مساوی فقط اندوخته ای ۶ امتیازی دارد برای رسید به هدف راه بسیار دشوار و سهمگینی در پیش دارد.

فدراسیون فوتبال ایران و نام آشنائی چون علی کفاشیان وقتی کاسه صبرشان بعد از نتایج تاسف بار و نومید کننده به انتها رسید علی دائی اسطوره فوتبال را کنار زدند و به سوی محمد مایلی کهن سرمربی امتحان پس داده اواخر سالهای قرن بیستم حرکت کردند.

مردی که در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۷ کارنامه نسبتاً موفق در دست داشت بهر شکل بر امیر قلعه نوعی و افشین قطبی ترجیح داده شد تا هدایت کشتی به گل نشسته فوتبال را به ساحل نجات هدایت و رهنمون سازد.

مایلی کهن در دو ماهی که پیش رو داشت دل و جگر شیرداشت تا قبول مسئولیت کند، او باید قبل از دیدار آخرین در سئول و کره جنوبی باید ۶ امتیاز از یک بازی خارج از خانه و یک بازی خانگی به اندوخته های قبلی اضافه کند تا بتواند بارقه هایی از امید و آرزو در دل دوستداران فوتبال جاری سازد.

فراموش نکنیم که کره شمالی مدل ۲۰۰۹ هرگز با کره ئی که در سالهای قبل با آن آشنا بودیم قابل مقایسه نیست. همین تیم کره در خانه برخلاف ما شکست بزرگی نصیب عربستانی کرد که در روز هشتم فروردین کام عید را برای میلیونها ایرانی تلخ کرد.

محمد مایلی کهن که بزرگترین نقطه قوتش تابعیت بی چون و چرا از نظم و نسق ویژه کاریش سرچشمه میگیرد باید برای اثبات شایستگی ها و توانائی های خود حریف جغر و سختکوش کره شمالی را از پیش روی بازدارد و شکستی مثل دفعات قبل تحمیلش کند.

کره شمالی که در تهران ۲-۱ تسلیم توپچیهای توانای ایرانی شد، امروز صاحب (۱۰) امتیازست و باید تدابیر ویژه محمد مایلی کهن چنان باشد که در پایان ۹۰ دقیقه بازی روز شانزدهم خردادماه امتیازات میزبان کره ئی هرگز افزایش پیدا نکند. چرا ما در طی ۵ بازی گذشته فقط صاحب ۶ امتیاز شدیم داستانی است تکراری که فقط به فقط نشئت گرفته از منیت های علی دائی مربی کم تجربه ایران بود. همه لج بازیها و یکدندگی های آقای دائی بواسطه بی کفایتی مسئولین فدراسیون فوتبال بردوش تیم ملی فوتبال سنگینی کرد. اگر کفاشیان مدیری لایق و توانا بود اجازه نمیداد که سرمربی کم تجربه هر کاری که میخواهد انجام دهد. شاید اگر جابجائی دائی- مایلی کهن قبل از سال نو صورت می گرفت این همه نومییدی و دشواری سر راه فوتبال بخت برگشته ما نبود.

بهر شکل با اینکه هنوز برنامه های تدارکاتی تیم فوتبال ما تا لحظه نشر این خبر مشخص نیست ولی واقعاً اگر اهل شعار و فریب کاری نیستیم باید بهوش باشیم که مهره های مورد نظر را در فاصله کوتاه باقیمانده محک بزنیم. و گر نه دعوت از علی کریمی و بچه های حاضر در امارات زیاد گره گشا نخواهد بود. فراموش نکنیم که بهزاد نکونام غایب بزرگ تیم مادر روز شانزدهم خرداد در شهر پیونگ یانگ خواهد بود.

دسترسی به پیروزی هرگز ناممکن نیست، چرا که بچه های

حسین حساری را بهتر بشناسیم

حسین حساری

دارائی راحت تر و آگاهانه تر ندیای ورزش را مورد کاوش و جستجو قرار دهم. البته فراموش نمی کنم که در ندیای پرتلاطم و پرحادثه امروز در حکم یک شاگرد قرار دارم و حالا، حالاها باید در راه یادگیری پرتلاش و خستگی ناپذیر بکوشم و دست از تلاش و تحقیق و تفحص برندارم.

فراموش نشود که راقم این سطور متولد ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ در تهران می باشد و در سال ۱۳۴۷ و روز دوم فروردین از جمع مجردها وداع کردم و حاصل این زندگی ۴۰ ساله ۳ دختر و یک پسر می باشد و درحال حاضر در کنار همسر پرتلاشم، دو دخترم در شهر فریمان کالیفرنیا زیر پوشش با یک تنها پسر زندگی می کنیم و دوری از دختر دوم یعنی نیلوفر عزیز و نوه های قشنگم طناز و پارسا آزارم میدهد. ولی این دوری ها طاقت فرسا نیست، چرا که دو دخترم و نوه عزیزم امیرپویان دلخوشی های دیگری هستند که دل مشغولی های مرا بوجود آورده اند.

وداع با قهرمانان و افتخار آفرینان زمانه

چه سخت است دل کندن از عشقی که نیم قرن همراهش بوده ای، چه دشوار است جدایی از آنچه که شب و روت را با آن سپری کرده ای، چه سنگین است از افتخار همیشگی یک ملت جدا شدن، به راستی این روزها را هرگز نه برای خود پیش بینی می کردم و نه گمانش را داشتم ولی جبر زمانه، چیز دیگری است.

فردا صبح دیگر نوشتن برام فقط یک خاطره خواهد بود، فردا صبح وقتی برفراز ابرها ایران عزیز، ایرانی بزرگوار و این ملت مظلوم را موقتاً ترک می کنم می دانم برام خیلی چیزها غیرقابل پیش بینی است.

رسماً ۵۶ ماه و چند روز در کنار کشتی زندگی کرده ام، در حالی که ارتباط با کشتی به زمان پیروزی توفیق وزندی و فردین در مسابقه های جهانی ۱۹۵۴ توکیو یعنی ۵۳ سال قبل باز می گردد، دنیایی که در این نیم قرن و اندی برام ساخته شده، زیباترین و بهترین لحظات زندگی ام را با آن سپری کرده ام، چه روزها و شب هایی را به امید شنیدن اخبار پیروزی بی صبرانه پشت سر گذارده ام، با مردان بزرگ، با پهلوانان راستین با دلوران این عصر و زمانه زندگی بی ریایی داشته ام، شادمانم از اینکه همواره در کنار دلاور مردان کشورم قرار داشته ام، هیچ گاه با آنها ستیزی نداشته ام، هر چه بوده از دوستی، همبستگی و علاقه به این گروه بزرگوار بود.

همه هستی ام را در وجود این پهلوانان بزرگ یافته ام، در ۶ دوره بازیهای المپیک، ۷ دوره بازیهای آسیایی، ۴۰-۳۰ دوره مسابقه های مختلف جوانان امیدها و بزرگسالان جهان از نزدیک تماشاگر هنرنمایی ها و تلاش های مثال زدنی آنها بوده ام. همواره آرزوی بزرگم، ایده آل هام پیروزی، افتخار و باز هم بزرگی دلیر مردان کشور بوده ام، در استانه مسابقه های جهانی ۲۰۰۷ باکو از جمع آنها جدا می شوم ولی به این امید زنده ام که عوامل مافیایی کشتی زورشان به ایران و ایرانی نرسد و آنها بتوانند سزاوارانه بر شایستگی های خود چنگ ببندازند.

کشتی مال من نیست، همچنانکه مال هیچ کس دیگری نبوده، ولی متعلق به ۷۰ میلیون ایرانی است که بازهم از کشتی و کشتی گیر طلب پیروزی و افتخار کنند.

آرزوی کسب ۱۴ سهمیه المپیک در ۲ رشته آزاد و فرنگی کوچکترین آرزوی یک پاکباخته کشتی از ورزش اول است که یزدان پاک هرگز از من و ایرانی های نیکو خصال دریغ نخواهد کرد. بدرود کشتی، بدرود مردان بزرگ و خدمتگزاران صدیق و پهلوان صفت کشتی.

مایلی کهن در راه تجدید افتخارات گذشته

پیروزی بر کره شمالی :

اتفاقی که می تواند نومییدی ها را بدست فراموشی بسپارد هرگز بخود اجازه نمیدهم در ورزشی که تخصص و آشنائی لازم ندارم دست به قضاوت و داوری بزنم ولی به حکم همجواری نیم قرنی با ورزش به عنوان یک تماشاگر درداشنا و با زیرم فویتال نیز آشنا شده ام.

تیمی که در سالهای ۱۹۷۸ آرژانتین، ۱۹۹۸ فرانسه، ۲۰۰۶ آلمان شانس حضور در جام جهانی را یافت امروز در برزخ رفتن یا نرفتن در حال دست و پا زدن است.

در پی نیم قرن زیستن در بطن ورزش و بعد یک استراحت ۲۰ ماهه هر آدم پر سابقه ای را هم به بهر همت می کشاند، نمیدانم چگونه باید خود را معرفی کنم.

در ایران زمینی بواسطه حضور مستمر در روزنامه-رادیو و تلویزیون آنهم کانالهای مختلف مشکلی در پیش نبود ولی امروز همه قصه های دیروز حکم افسانه را پیدا کرده و گوئی اول روزی است که باز هم باید دست به قلم شده و تراوشات مغزی را بر صفحه کاغذ جاری ساخت.

امروز از بهاران سال ۱۳۴۲، قریب ۴۶ سال سپری شده، از مجله دختران و پسرانی که وابسته به موسسه اطلاعات بود یاد می کنم که نوشتن را در آن نشریه به اصطلاح نوجوان و جوان آغاز کردم، خیلی زود بواسطه آشنائی و همراهی با ورزش در جهت یابی موفق بودم.

سالها شتابان از پی هم گذشت و من جوان این شانس را پیدا کردم که از مکتب بزرگان و پیشکسوتان فراوان بی آموزم، آموزه هایم را در رهگذر زمان به قضاوت مردمی واگذار نمایم که بهترین دوران گیتی محسوب می شوند.

از محبت همین مردم، من پرانگیزه، من جوان به حرکت افتادم، خیلی زود به تکاپو افتادم و زودتر از انتظار سر از تالارهای ورزشی، میادین مسابقه و دیدارهای مختلف کشوری در آوردم.

چندسال بعد با تولد مجله دنیای ورزش که رقیب نورسیده ای برای کیهان ورزشی پرسابقه بشمار میرفت ما چند چهره گمنام هم سری بین سرها در آوردیم. در سال ۱۳۴۸ به سردبیری بیژن رفیعی مجله رنگین دنیای ورزش خیلی زود در دل ورزشیان جا باز کرد و ما سخت کوش تر از آن بودیم که قدمت، سابقه و کهن بودن نشریه توانائی مثل کیهان ورزشی ما را از راهی که آغاز کرده بودیم به هراس و عکس العمل های معمول وادار کند.

سال بعد با حضور در مسابقه های بین المللی جام دانکولف بلغارستان راهی کشور بلغار شدیم و در همین سفر بود که با آنهائی که در خاطره ام ثبت شده بودند بیشتر و بیشتر آشنا شدم. کشتی ورزش محبوب من بود، در آن سالها فوتبال برو بیائی مثل امروز نداشت، همه چیز در کشتی و وزنه برداری خلاصه میشد. پهلوانان و قهرمانان ایران زمینی در بازیهای المپیک، مسابقه های جهانی و دیدار های تازه ای ظهوری دلچسب و شیرین داشتند.

محمود نامجو دلاور مرد گیکلک در سال های ۱۹۴۹-۱۹۵۱ و ۱۹۵۱ سه مدال طلای جهانی را بعد از تک مدال جعفر سلماسی در بازیهای المپیک لندن به ملت دلیر و قهرمان پرور ایران هدیه کرد و از آن پس افتخار آفرینان ما یکی، پس از دیگری در چرخه های تازه ای از پیروزی به روی ملت ایران باز کردند.

توفیق جهانبخت در سال ۱۹۵۴ توکیو اولین طلائی کشتی ایران در جهان بود، عباس زندی چند ساعت بعد این افتخار بزرگ را تکرار کرد و محمد علی فردین قهرمانی که بعد اسطوره ای در سینمای ایران گردید با مدال نقره خود عنوان سومی جهان را به سرمربیگری کیومرث خان ابوالملوکی برای نخستین بار تفویض کشتی دوستان ایرانی نمود. و من که قدم به قدم با این سلحشوریها آشنا و همراه بودم خیلی زود در آسمان ورزش ایران نمودار شدم.

سابقه ۴۵ سال کار پیوسته در نشریات مختلف، سفر به ۶ دوره بازیهای المپیک در لس آنجلس (۱۹۸۴) سئول (۱۹۸۸) بارسلون (۱۹۹۲) اتلانتا (۱۹۹۶) سیدنی (۲۰۰۰) و آتن (۲۰۰۴) مرا به افتخار ۶ حضور پیاپی در بازیهای المپیک هدایت کرد.

هرچند که اولین باری که به تماشای مسابقه های جهانی رفتم مربوط به سال ۱۳۳۸ و مسابقه های جهانی ۱۹۵۹ تهران مرتبط می شود.

در رده آسیا نیز از تهران ۱۹۷۴ در تنها میزبانی کشورم برای بازیهای آسیائی آغاز کردم و در سالهای ۱۹۸۶ سئول، ۱۹۹۰ پکن، ۱۹۹۴ هیروشیما، ۱۹۹۸ بانکوک، ۲۰۰۲ بوسان و ۲۰۰۶ دوحه قطر ۶ بار دیگر شانس شرکت در بازیهای قاره ای نصیبم شد.

از مسابقه های جهانی در رده های مختلف نیز باید یادی کنم که در خیلی از ادوار در مسابقه های جهانی کشتی و وزنه برداری حاضر بودم، قریب ۱۵ سفر ورزشی در طول سالهای گذشته ثروت فراوانی بمن بخشید که بتوانم با آنهمه

یک دختر ایرانی، جوان ترین پروفیسور زن در جهان

پروفیسور آلیا صبور، دختر آمریکایی ایرانی تبار، ۱۹ ساله است.



سال ۱۷۱۷ در سن ۱۹ سال و ۷ ماهگی، این رتبه را کسب کرده بود.

شهزاد نیوز: آلیا صبور، دختر آمریکایی ایرانی تبار، جوان ترین پروفیسور زن در جهان است. وی رتبه نخستین و جوان ترین زن را در تاریخ آمریکا به خود اختصاص داده است.

این دختر ایرانی تبار، به طور تمام وقت در دانشگاه نیویورک تدریس می کند و نامش به عنوان نابغه، در ردیف جوان ترین استاد دانشگاه های معتبر جهان، در کتاب "رکورد های گینس" به ثبت رسیده است.

رکورد دار قبلی ی جوان ترین پروفیسور دانشگاه های جهان، یک فیزیکدان اسکاتلند به نام "کالین مک لورین" بود. وی شاگرد "اسحق نیوتن"، فیزیکدان بزرگ جهان و کاشف نیروی جاذبه زمین بود که در

ادامه مطلب احمدی نژاد چرا... از صفحه ۲۶

دید آقای خامنه ای سیاست هسته ای و خارجی او بوده است. از این رو، احمدی نژاد ظاهراً می اندیشد که اگر این سیاست را دنبال کند ممکن است بتواند حمایت خامنه ای را کسب کند. خامنه ای دوست دارد که دشمن داشته باشد، و احمدی نژاد نشان داده است که در تأمین این خواسته ولی خود مهارت زیادی دارد. از این رو، او سعی دارد از هر فرصتی برای طرح نظرات ضد اسرائیلی، ضد آمریکایی و ضد غربی خود بهره بگیرد. اگر این سیاست بتواند نظر حسن ولی فقیه را نسبت به او جلب کند او پادشاه خود را گرفته است، و بهایی که مردم ایران باید و ممکن است در نتیجه این سیاست بپردازند در فهرست نگرانی های او جای عمده ای نخواهد داشت.

احمدی نژاد ظاهراً می اندیشد که با اتخاذ و دنبال کردن این سیاست می تواند نظر موافق ولی نعمت خود را به دست آورد و به کمک او ریاست جمهوری خود را برای دور دوم تثبیت کند.

رای گیری چند هفته دیگر به دلیل بحران های اقتصادی و بین المللی ایران از اهمیت خاصی برخوردار است و می تواند از جهات مختلفی سرنوشت ساز باشد. احمدی نژاد با نامزدهای قدرتمندی در جناح اصلاح طلب روبرو است و در جناح خود به دلیل سیاست های شکست خورده سیاسی و اقتصادی نتوانسته حمایت کافی جلب کند. او در عین حال در گذشته از حمایت آقای خامنه ای برخوردار بوده، و امیدوار است بتواند از این حمایت در رای گیری آینده نیز برخوردار شود. نقطه قوت احمدی نژاد از